

او جواب سوالم را
نداد و فقط گفت:
«گوش کن! این
تصمیم قطعی
است و اگر به زود آن
را تحویل ندهید،
ایالات متحده، او
را به زور خواهد
گرفت»

در مدتی که در سفارت مشغول به کار بودم، بسیاری از علما و عده ای دیگر که ادعای تقوا داشتند، به دیدار من آمدند. اما در واقع آنها فقط آمده بودند تا مرا متقاعد کنند تا به سازمان جاسوسی پاکستان بپیوندم. من به اصول خود وفادار ماندم و تلاش نمودم تا از کسانی که قصد فریب من را برای پیوستن به دستگاه اطلاعات پاکستان داشتند، دوری کنم. مدعی می شدم که از قبل تعهداتی دارم یا در شرایط مناسبی قرار ندارم. بارها به من پیشنهاد پول دادند اما من نمی پذیرفتم.

سازمان اطلاعات پاکستان همیشه تأیید می کرد که از من و سفارت در هر موضوع یا مشکلی که مربوط به مشرف یا وزارتخانه های پاکستان باشد، حمایت خواهد کرد و تلاش می کرد تا مرا متقاعد کند که به نفع من و افغانستان است که با یکدیگر همکاری کنیم. اما من تماس امور رسمی را از طریق وزارت امور خارجه انجام می دادم. مقامات اطلاعاتی پاکستان در بیشتر هیئت های دیپلماتیک پاکستان در افغانستان حضور داشتند.

من با هیئت های پاکستانی در سفرهایشان همراهی می کردم. اگر چه پاکستان و آی اس آی یا همان سازمان اطلاعات پاکستان روابط مستحکم خود را با طالبان حفظ می کنند، اما در مقابل از روابط با مخالفان ما حمایت کرده اند. آنها قصد داشتند به رهبرانی که قبل و بعد از یازدهم سپتامبر علیه ما اقدام می کردند، کمک کنند و به آنها اجازه حمل سلاح و سازماندهی سیاسی بدهند.

وقتی فهمیدم که سرویس اطلاعات پاکستان برای مقابله با جنبش طالبان قراردادی بین آمریکا، ایران و ائتلاف شمال منعقد کرده است، بلافاصله به قندهار رفتم. من به ملا گفتم که خصومت های فزاینده بین افغانستان و پاکستان باید متوقف شود. به او گفتم که شواهد محکمی دارم که نشان می دهد پاکستان در حال مذاکره با آمریکا، ایران و ائتلاف شمال در توطئه علیه امارت افغانستان است. من اقدام به انتصاب افرادی در داخل دولت پاکستان نمودم که در مورد نقشه های آن توطئه به ما اطلاعات بدهند.

برای کنترل اینکه چه کسی از مرز عبور می کند من با سازمان اطلاعات پاکستان به توافق رسیدم که هر افغانستانی باید ابتدا به سفارت مراجعه کند که این فرصت را به ما می داد تا اسناد او را کپی کرده و به قندهار بفرستیم. آخرین بحران دیپلماتیک افغانستان وقتی بود که مولوی عبدالولی وزیر امر به معروف و نهی از منکر دستور تخریب مجسمه های قدیمی و معروف بودا را در بامیان صادر کرده و آنها را زیر چشم جهانیان به آوار تبدیل نمود. هیئت ها و دیپلمات های سراسر جهان با این رویداد مخالفت کردند و پس از افشای خبر ویرانی آن، کمپینی را علیه افغانستان به راه انداختند. یونسکو و شورای حفظ آثار تاریخی سازمان ملل، سی و شش نامه اعتراض آمیز ارسال کردند. چین، ژاپن و سریلانکا فعال ترین نمایندگی های دیپلماتیک در این زمینه بودند.

من هیچ نقشی در تصمیم گیری در مورد مجسمه ها نداشتم و هیچ کس در این مورد با من مشورت نکرد. نتوانستم کاری انجام دهم تا هیئت را راضی کنم.

حاجی ملا محمد ربانی پس از امیر مومنین رهبری امارت اسلامی افغانستان را به عهده گرفت. وی در دوران جهاد معاون عبدالرزاق در حزب اسلامی بود. او از سال ۱۹۹۴ وارد طالبان شد و به سرعت تبدیل به یکی از محبوب ترین رهبران شد. ملا محمد به ریاست مجلس شورا منصوب شده و پس از آن به نخست وزیر رسید. در سال ۱۹۹۹ وضعیت